

مشاوره در مکتب اهل بیت (ع)

بهنام حکمتی

کارشناس ارشد مشاوره

بخش چهارم
و پایانی

زهد و ساده‌زیستی

زهد در دو کلمه قرآنی آمده است:

لکیلا تأسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا بما آتاکم. (حدید، ۲۳)
تا برای آنچه از دست داده‌اید تأسف مخورید و به آنچه به شما رسیده است، شاد نگردید.

و از سوی دیگر در روایات معتبر به زهد و ساده‌زیستی پیامبر و ائمه معصومین (ع) فراوان اشاره شده است. اصولاً یکی از مواردی که ریشه بسیاری از افسردگی‌ها، بیماری‌ها و مشکلات روانی است، تجمل‌گرایی و حرص و طمع به مال و ثروت است، در صورتی که ساده‌زیستی به انسان آرامش روانی زایدالوصفی می‌بخشد. بنابراین در اسلام به ساده‌زیستی توصیه و تأکید شده است و مشاوران نیز باید مراجعان خود را به این سمت و سو فراخوانند.

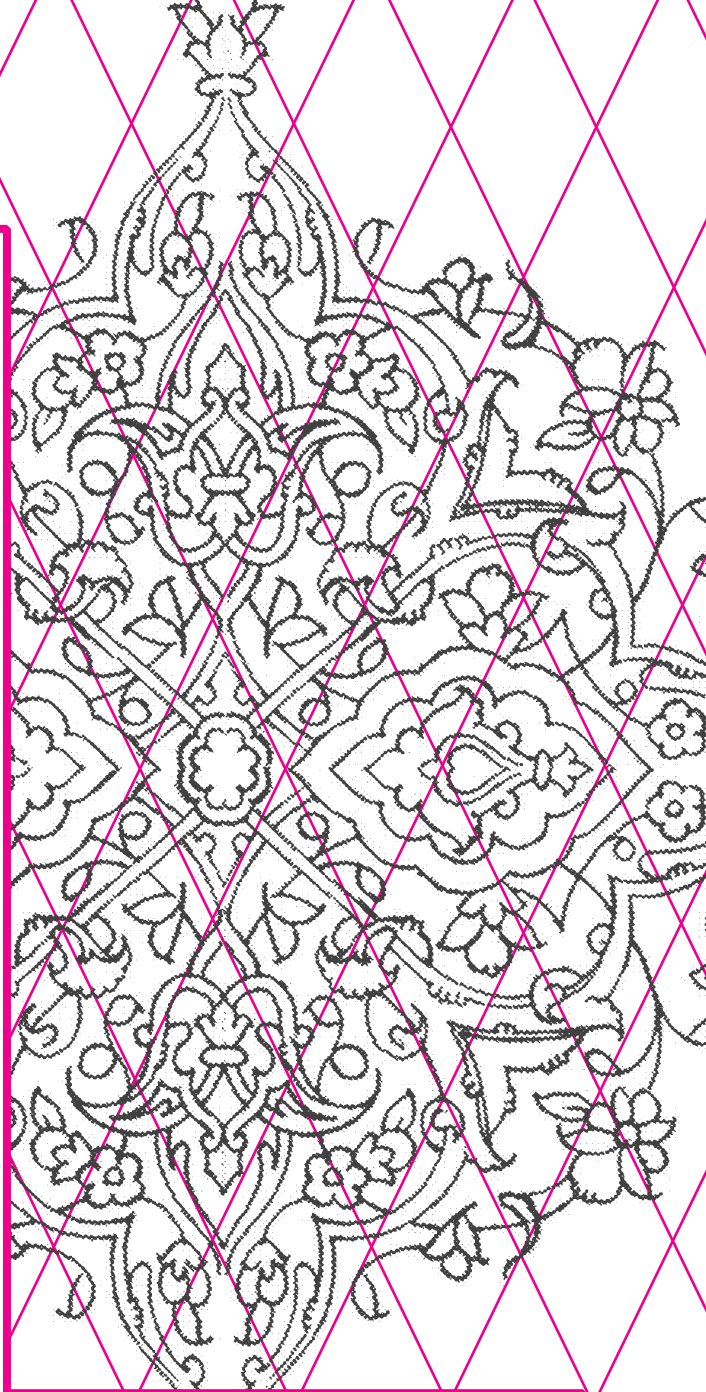
عزت نفس

یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام مفضل بن قیس گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم و از وضع زندگی‌ام گلایه کردم. آن حضرت به خدمتکارش فرمود: آن کیسه پول را بیاور - سپس آن را به من داد و فرمود: مشکلت را با این چهارصد دینار حل کن. عرض کردم: قربانت گردم! مقصود من دریافت وجه نبود و آن را نمی‌پذیرم، بلکه دوست دارم برایم دعا کنید. امام (ع) فرمود: دعا نیز خواهم کرد، ولی تو از اینکه دیگران را از زندگی‌ات آگاه کنی بپرهیز، چرا که چنین کاری سبب خواری تو خواهد شد. (وسایل الشیعه ج ۶ ص ۲۱۹).
یکی از مواردی که هر انسانی، به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است، بر آن تمرکز دارد حفظ آبروی فردی خویش است. اسلام نیز

اشاره

در بخش گذشته در ادامه بحثی که در خصوص مشاوره در مکتب اهل بیت (ع) داشتیم به بررسی برخی فنون، تکنیک‌ها و ابزارهای برگرفته از فرهنگ غنی اسلام، پرداختیم که می‌تواند در مشاوره مبتنی بر فرهنگ اسلامی به کار برده شود. اکنون به شرح برخی دیگر از فنون، تکنیک‌ها و ابزارهایی می‌پردازیم که مورد تأکید قرار گرفته و در سیره معصومین (ع) نیز به کرات مورد استفاده قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: زهد، عزت‌نفس، کار و تلاش، نظم و انضباط، برنامه‌ریزی، انذار، امیدواری، تواضع، عفو، غیرت، روابط اجتماعی، تعاون، قناعت



کرد که تو بنده خوبی هستی، جز آنکه از بیت‌المال ارتزاق می‌کنی و خود کاری نمی‌کنی. حضرت داوود نگران و گریان شد. آنگاه خداوند صنعت زره‌سازی را به وی آموخت. از آن پس زره می‌ساخت و از این راه امرار معاش می‌کرد و از بیت‌المال بی‌نیاز شد. (تفسیر نورالثقلین، ج ۳ ص ۴۴۹)

رسول گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: اَلْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ یعنی کسی که برای امرار معاش خانواده‌اش زحمت می‌کشد همچون مجاهد در راه خداست. (بحار الانوار، ج ۱۰ ص ۱۱۳) علی بن حمزه گوید: روزی امام کاظم (ع) را در مزرعه‌ای دیدم که عرق می‌ریخت و کار می‌کرد. گفتم: فدایت شوم! کارگرانت کجا هستند؟ فرمود: ای علی! کسانی که از من و پدرم بهتر بودند روی زمین کار کردند. گفتم: منظورتان چه کسانی هستند؟ فرمود: پیامبر و امیرمؤمنان و همه اجداد من با دست خویش کار می‌کردند؛ سایر پیامبران و صالحان نیز چنین می‌کردند. (من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳ ص ۹۸)

امام صادق (ع) فرمود: اِنِّیْ اَحَبُّ اَنْ یَّتَاذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِی طَلَبِ الْمَعِیْشَةِ.

دوست دارم که مرد برای کسب معیشت در گرمای آفتاب رنج کند. (وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۲۳)

اصولاً کار و پیشه هم نیاز زندگی فردی و اجتماعی انسان است و هم عامل مهمی در پیشگیری و درمان بسیاری از مشکلات عاطفی و روانی به شمار می‌رود، تا حدی که امروزه کار درمانی یکی از راه‌های مؤثر در درمان‌های مشاوره‌ای و روان‌درمانی محسوب می‌گردد.

نظم و انضباط و برنامه‌ریزی

مولای متقیان حضرت علی (ع) می‌فرماید: اَوْصِیْكُمْ وَ جَمِیعِ وَاَلْدِی وَ اَهْلِی وَ مَن بَلَغَهُ كِتَابِیْ بِتَقْوِیِ اللَّهِ وَ نَظْمِ اَمْرِكُمْ. شما و همه فرزندان و بستگانم و دیگر کسانی را که این نامه به آن‌ها می‌رسد به تقوای الهی و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم. (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: بکوشید اوقاتتان چهار بخش باشد؛ بخشی برای مناجات با خدا، بخشی برای زندگی و معاش، بخشی برای معاشرت با برادران و مردمان مورد اعتماد که عیب‌هایتان را به شما گوشزد می‌کنند و از دل به شما اخلاص می‌ورزند، و بخشی را نیز با خود خلوت کنید برای لذت‌های حلال و این بخش شما را بر انجام سه بخش دیگر کمک می‌کند. (تحف العقول، ص ۴۳۳)

امام حسین (ع) از پدر خود امیرمؤمنان علی (ع) در مورد نحوه زندگی پیامبر (ص) پرسید. امام (ع) در پاسخ فرمود: چون آن حضرت به خانه می‌آمد وقت خویش را به سه بخش تقسیم می‌کرد، بخشی را برای عبادت، بخشی را برای خانواده و بخشی را برای خود، سپس سهم خود را میان خویشان و مردم تقسیم می‌کرد و عام و خاص را می‌پذیرفت و چیزی از مردم دریغ نمی‌کرد. (سنن النبی، ص ۱۰۳)

بر این نیاز فطری تأکید ورزیده و پیروان خود را به کسب عزت‌نفس دعوت نموده است. از این روست که در روایات متعدد شاهد آن هستیم که ائمه (ع) پیروان و مراجعین خود را به حفظ عزت‌نفس تأکید و سفارش فرموده‌اند. بنابراین حفظ و تقویت عزت‌نفس مراجع باید وجهه همت مشاوران باشد.

کار و تلاش در زندگی

ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا (ص) اگر به مردی نظر می‌کرد و خوشایند او بود، می‌پرسید: کاری (شغلی) داری؟ اگر پاسخ منفی بود می‌فرمود: از چشمم افتادی! وقتی علت را می‌پرسیدند می‌فرمود: مؤمن وقتی حرفه‌ای نداشته باشد با (هزینه کردن) دینش ارتزاق می‌کند. (سنن النبی، ص ۱۴۰)

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: خداوند به حضرت داوود (ع) وحی

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعرا، ۲۱۴)

و خانواده و نزدیکان خود را انذار کن.

این یکی از ویژگی‌های نظام مشاوره اسلامی است که مشاور در وهله اول توصیه‌هایی را متوجه خود و نزدیکانش کرده و با عمل به این موارد الگوی عملی برای آنچه به دیگران ابراز می‌کند خواهد بود در صورتی که در سایر نظام‌های مشاوره‌ای، فرد مشاور برای نزدیکان خود، مشاور خوبی نخواهد بود و از مشاوره نزدیکان برحذر داشته شده است

رفتار با مردم

رسول اکرم (ص) و امامان (ع) مخاطبان و جامعه و زمانه خود را به خوبی می‌شناختند و بر مبانی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به تبلیغ و هدایت مردم می‌پرداختند، چنان‌که رسول اکرم (ص) فرمود:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ نَكَلَّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

ما پیامبران با مردم به قدر عقل آنان سخن می‌گوییم. (بحار الانوار، ج ۱ ص ۱۰۶)

و باز حضرت می‌فرماید:

أَمَرَنِي رَبِّي بِمَدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ.

پروردگام مرا به مدارا با مردم فرمان داده، همان‌طور که به ادای واجبات فرمان داده است. (سنن النبی، ص ۱۲۶)

امام صادق (ع) فرموده است:

إِنَّ الصَّبْرَ وَالصَّدْقَ وَالْحِلْمَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ مِنَ اخْتِلاَقِ الْأَنْبِيَاءِ.

شکیبایی و راستی و بردباری و خلق نیکو از اخلاق پیامبران است. (سنن النبی، ص ۱۲۷)

فَبِمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ... (آل عمران، ۱۵۹)

به (برکت) رحمت الهی در برابر مردم نرم (مهربان) گشتی، و اگر خشن و سنگدل بودی از گردت پراکنده می‌شدند. خداوند در قرآن

در مورد مهربانی و دلسوزی رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ... (توبه، ۱۲۸)

به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و بر هدایت شما اصرار دارد و به مؤمنان رئوف و مهربان است.

رسول خدا پیوسته به یاد اصحاب خود بود و از آنان دلجویی می‌کرد و اگر کسی را سه روز نمی‌دید از دیگران درباره‌اش می‌پرسید. اگر به سفر رفته بود برایش دعا می‌کرد و اگر در وطن بود به دیدنش می‌رفت و اگر بیمار می‌شد از او عیادت می‌کرد. (سنن النبی، ص ۵۱)

این‌گونه رفتار، راه را برای ارتباط مشاوره‌ای هموار می‌سازد و مردم به راحتی و به دور از هرگونه مانعی می‌توانند با مشاور خود ارتباط برقرار کرده و از راهنمایی و مشاوره وی بهره‌مند شوند.

رفتار با خانواده

قال رسول الله (ص): أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَالْأَطْفَهْمُ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الْبَطْفُكُمْ بِأَهْلِي. (بحار الانوار، ج ۶۸ ص ۳۸۷)

از مردم ایمان کسی بهتر است که اخلاقش بهتر و با خانواده‌اش مهربان‌تر است و من از همه شما با خانواده‌ام مهربان‌ترم.

هنگام ازدواج علی (ع) و زهرا (س) نیز به دخترش فرمود: دخترم! شوهرت پس از من بهترین مرد دنیاست. هرگز با او مخالفت نکن؛ و به حضرت علی (ع) نیز فرمود: همسرت را به خانه ببر و با او لطف و مدارا کن. او پاره تن من است. هرچه او را ناراحت کند مرا نیز ناراحت می‌کند.

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: به خدا سوگند، من هرگز فاطمه

داروی دردها

قال علی (ع): أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمًا مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نِظْمَ مَا بَيْنَكُمْ.

آگاه باشید که در قرآن، علم آینده و خبر از گذشته و داروی دردتان و نظم امورتان نهفته است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸)

خداوند قرآن را به‌عنوان دستورالعمل و راهنمایی برای زندگی، از طریق پیامبر اسلام (ص) در اختیار ما گذاشته است تا از آن بهره‌گیری و نیازهای خود را با استفاده از آن مرتفع نماییم. چه بسیار مواقعی که انسان در حالت ابهام و سردرگمی قرار دارد و نیازمند راهنمایی است اما به هیچ‌کس دسترسی ندارد و یا انسان‌های دیگر به دلایل گوناگون از راهنمایی او عاجزند، اینجاست که قرآن به داد او می‌رسد و دردش را دوا می‌کند، لذا مشاور در مکتب اسلام باید مراجعین خود را با قرآن که نسخه شفابخش زندگی است مانوس نماید.

اولین مرتبه انذار

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعرا، ۲۱۴)

و خانواده و نزدیکان خود را انذار کن.

این یکی از ویژگی‌های نظام مشاوره اسلامی است که مشاور در وهله اول توصیه‌هایی را متوجه خود و نزدیکانش کرده و با عمل به این موارد الگوی عملی برای آنچه به دیگران ابراز می‌کند خواهد بود در صورتی که در سایر نظام‌های مشاوره‌ای، فرد مشاور برای نزدیکان خود، مشاور خوبی نخواهد بود و از مشاوره نزدیکان برحذر داشته شده است.

نگران دخترانم هستم که پس از من سرپرستی ندارند. امام فرمود: دخترانت را به همان خدایی واگذار کن که امید داری گناهانت را بپامزد و حسنات تو را افزون کند. (بحارالانوار، ج ۶۸ ص ۱۳۷)

یکی از مشکلاتی که ما انسان‌ها از آن رنج می‌بریم ناامیدی و یأس است که خود می‌تواند زمینه بسیاری از مشکلات روانی دیگر نیز قرار گیرد. در اسلام، امیدواری و دوری از یأس بسیار مورد توجه قرار گرفته و در جای جای قرآن و روایات به این نکته تأکید شده است! بدیهی است که تقویت امیدواری مراجعان یکی از وظایف اساسی مشاوران در نظام مشاوره اسلامی خواهد بود.

تواضع

حضرت امام کاظم (ع) فرموده است: التَّوَّاعِعُ تُعْطِي النَّاسَ مَا

را خشمگین نکردم و تا آخر عمر او را به کاری که مایل نبود و انداشتم. او نیز هرگز مرا خشمگین نکرد و با من مخالفت نکرد. (کشف الغمه، ج ۱ ص ۳۷۳)

رفتار مشاور با اعضای خانواده علاوه بر تأثیری که به‌عنوان الگوی عملی برای رفتار مراجعین با خانواده به همراه دارد، اثر دیگری نیز دارد و آن احساس امنیت و اعتماد به مشاور به‌عنوان فردی رؤف و مهربان خواهد بود.

امیدواری

شیخ صدوق نقل کرده است که امام صادق (ع) روزی سراغ یکی از شیعیان را گرفت. گفتند بیمار است. به عیادت او رفت و کنار بسترش نشست و فرمود: به خدا امید داشته باش! مرد گفت:



تُحِبُّ أَنْ تَعْطَاهُ. (وسایل الشیعه، ج ۱۱ ص ۲۱۶)

تواضع اینست که به مردم همان را عطا کنی که دوست داری خودت از آن‌ها دریافت کنی.

امیرمؤمنان علی(ع) رفتار پیامبر(ص) با مردم را چنین توصیف می‌کند: وقتی به مجلسی می‌آمد پایین آن می‌نشست، کنار آخرین نفر، و دیگران را به همین رفتار سفارش می‌کرد. همگان را بهره‌مند می‌ساخت به گونه‌ای که هیچ‌کس احساس نمی‌کرد که دیگری بیش از او نزد پیامبر احترام دارد. با همنشین خود می‌نشست تا او برخیزد. هرکس نیازی داشت آن را برآورده می‌ساخت و اگر نمی‌توانست، سخنی نیک به او می‌گفت که روحیه‌اش دهد. اخلاق خوش او سبب شد تا مردم او را پدر مهربان خویش بدانند و جملگی در برابرش خوش رفتار شدند. محضر او همواره محضر بردباری، حیا، صداقت و امانت بود؛ جنجال و هیاهو بدان راه نداشت و حرمت‌ها در آن شکسته نمی‌شد. (سنن النبوی، ص ۱۰۴)

علی(ع) فرمود: ای کمیل! بهترین زینت انسان با ایمان، تواضع و فروتنی است؛ و زیبایی و جمال مؤمن در عفت و پاکدامنی است، و شرافت او در آگاهی است و عزت او در ترک قیل و قال و گفت‌وگوهای بی‌ثمر است. (بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۴۱۳)

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا. (سوره لقمان، ۱۸)

مغرورانه بر روی زمین گام برمذار.

علی(ع) می‌فرماید: میوه درخت تواضع، محبت و دوستی و جلب قلوب است و میوه درخت تکبر و خودبرتربینی، کینه و عداوت و دشمن‌سازی است. (غرر حدیث، ۴۶۱۳ و ۴۶۱۴)

از آثار تواضع، جلب محبت و دوستی و به دنبال آن القای قابل اعتماد بودن فردی است که به این صفت متصف باشد؛ لذا مشاور با تواضع می‌تواند به راحتی و با سرعت بیشتر اعتماد مراجع را به خود جلب نماید.

عفو و گذشت

عفو در لغت به معنای بخشیدن و ندیدن جرم و گناه است. (مفردات راغب اصفهانی)

خداوند در قرآن حکیم می‌فرماید:

... وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ (نور، ۲۲)

آن‌ها (مسلمانان) باید عفو و گذشت نمایند، آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟

و یا می‌فرماید: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (اعراف، ۱۹۹)

عفو پیشه کن و به نیکی فرمان ده و از جاهلان روگردان.

علی(ع) فرمود: قَلَّةُ الْعَفْوِ أَقْبَحُ الْعُيُوبِ وَ التَّسْرِيعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ. (شرح غررالحکم، ج ۷ ص ۲۵۲)

کم گذشتی، زشت‌ترین عیب و شتابزدگی در انتقام، بزرگ‌ترین گناهان است.

هم او فرمود: کسی که در خصومت و دشمنی زیاده‌روی کند، مرتکب گناه می‌شود و کسی که در آن کوتاهی نماید، مغلوب

می‌گردد. (بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۴۱۹)

عفو و بخشش از هر دو جنبه مشاور و مراجع مورد توجه است. از یک سو مشاور زمانی می‌تواند بهترین خدمت را به مراجع خود ارائه دهد که خطاها و اشتباهات مراجع در نظرش بزرگ و غیرقابل بخشش جلوه نکند. و از سوی دیگر بسیاری از مراجعین به خاطر ناتوانی در عفو و گذشت دیگران دچار مشکلات روانی و عاطفی شده‌اند؛ در اینجا لازم است مشاور، توانایی بخشش و گذشت را در آن‌ها احیا و تقویت نماید.

غیرت

قال الصادق(ع): إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ مِنْ غَيْرْتِهِ حَرَمٌ الْفَوَاحِشُ ظَاهِرُهَا وَ بَاطِنُهَا. (وسایل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۰۷)

خداوند غیور است و غیرتمندان را دوست دارد، و از روی غیرتمندی است که کارهای زشت را، چه پیدا و چه پنهان، منع فرموده است.

غیرت یکی از ویژگی‌هایی است که خداوند در وجود آدمی به ودیعه نهاده و دارای اثرات و فواید متعددی است. از جمله اینکه غیرت، بازدارنده بسیار قدرتمندی برای پیشگیری و عدم ارتکاب گناهان و کارهای ناپسند است، غیرت، محافظ حیا، عفت و پاکدامنی انسان است، غیرت، سپر ایمن و قدرتمندی برای حفاظت از کیان خانواده است و خلاصه آنکه غیرت یکی از عوامل مهمی است که انسان را از بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به خود، خانواده، اقوام، وطن و اعتقادات مبرا و ایمن می‌سازد.

روابط اجتماعی

امیرمؤمنان علی(ع) در وصف رسول خدا(ص) می‌فرماید: طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدَّاحِكَمٌ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عَمَى وَ أَدَانٌ صَمٌّ وَاللَّيْسَنَةُ بَكَمٌ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷). رسول خدا(ص)، طبیبی بود که با طبابت خویش در پی بیمار می‌گشت تا هرجا نیاز باشد، آن را به کار برد و دل‌های کور و گوش‌های کر و زبان‌های لال را درمان بخشد.

روایت شده است که روزی امیرمؤمنان علی(ع) با نامسلمانی هم‌سفر شد. در راه به گفت‌وگو پرداختند. مرد از امام پرسید: مقصدت کجاست؟ فرمود: کوفه. وقتی به نقطه‌ای رسیدند که راه کوفه جدا می‌شد، امام به سوی کوفه نرفت و همچنان به راه ادامه داد. آن مرد پرسید: مگر تو آهنگ کوفه نداشتی؟ امام فرمود: آری، ولی حق هم‌سفری و هم‌سخنی ایجاب می‌کند که تا مسافتی تو را بدرقه کنم!

قال رسول الله(ص): مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ. (بحار الانوار، ج ۷۳ ص ۳)

هرکس پیش از سلام کردن سخن گفت، پاسخش را ندهید.

از ویژگی‌های پیامبر اسلام(ص) این بود که خودش پیش از دیگران سلام می‌کرد؛ حتی به زنان و کودکان. (بحار الانوار، ج ۱۶ ص ۲۲۹)

امام باقر(ع) می‌فرماید: چون دو مؤمن با یکدیگر ملاقات می‌کنند



اصولاً مشاوران اشخاصی اجتماعی و انسان دوست هستند که از خدمت به هموعان خود لذت می‌برند و این خدمت بیش از اینکه به‌عنوان یک حرفه برای ایشان مطرح باشد نوعی ارضای نیاز به خدمت به دیگران است. اغلب مشاوران از کمک به حل مشکل مراجعانشان دچار احساس لذت و شغف می‌شوند

همدیگر را در نیکی و تقوا یاری دهید و از همیاری بر گناه و تجاوز دوری گزینید.

علی (ع) می‌فرماید: از حقوق واجب خدا بر بندگانش، نصیحت و خیرخواهی در حد توان و همیاری برای پایداری حق است.

روزی رسول اکرم (ص) به خانه علی (ع) و فاطمه (س) رفت. ایشان را مشغول آسیاب کردن غله دید. پرسید: کدامتان خسته است؟ امیرمؤمنان (ع) پاسخ داد: ای رسول خدا (ص)! فاطمه خسته است. پیامبر (ص) فرمود: دخترم! برخیز؛ او نیز برخاست و پدرش مشغول آسیاب کردن غله شد. (بحارالانوار؛ ج ۱۶ ص ۲۷)

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: مسلمان (دست‌کم) سی حق برگردن برادر مسلمانش دارد... و از جمله این حقوق آن است که: باید او را خواه مظلوم باشد خواه ظالم، یاری رساند. اگر ظالم است او را از ستم بازدارد و اگر مظلوم است برگرفتن حشش کمک نماید. (وسائل الشیعه، ج ۱۲ ص ۲۱۳)

ابن مهران می‌گوید: روزی امام حسن مجتبی (ع) در مسجد معتکف بود، مردی به خدمت وی رسید و حاجتی داشت. امام بی‌درنگ اعتکاف را شکست و برخاست و به کمک او شتافت. (وسائل الشیعه، ج ۱۰ ص ۵۵۰)

صفوان بن جمال گوید: خدمت امام صادق (ع) بودم که یک نفر از شیعیان وارد شد و از امام برای کرایه کردن مرکب کمک خواست. چون این کار به حرفه من مربوط می‌شد، امام آن را به من سپرد. برخاستم و همراه مرد رفتم و وسیله سفرش را مهیا کردم و برگشتم. امام (ع) پرسید: چه کردی؟ عرض کردم نیازش را برآوردم. فرمود: این کار از هفت بار طواف دور خانه خدا برتر است. (کافی، ج ۲ ص ۱۵۸)

نقل است امام صادق (ع) همراه خدمتکار خود در راه سفر از مکه به مدینه بود. در بین راه چشمش به مردی افتاد که زیر درختی افتاده بود. امام فرمود: بدان سوی برویم، به گمانم او از تشنگی نقش زمین شده است. چون به مرد رسیدند، امام پرسید:

و دست یکدیگر را می‌فشارند، خداوند به آنان توجه می‌کند و گناهانشان بسان برگ درخت فرو ریزد. (کافی، ج ۲ ص ۱۸۰)

نقل شده که پدر و پسری میهمان امیرمؤمنان علی (ع) شدند، پس از صرف غذا، قنبر ظرف آبی آورد. امام با دست خویش بر دست‌های پدر آب ریخت تا او دستش را بشوید، سپس محمد حنیفه بر دستان پسر آب ریخت. امام فرمود: اگر این پسر به تنهایی میهمان ما بود، من خود بر دستش آب می‌ریختم ولی نظر خداوند این است که احترام پدر و فرزند متفاوت باشد. (بحارالانوار، ج ۴۱ ص ۵۶)

هنگامی که سلمان بیمار شد، پیامبر (ص) به عیادت وی رفت و هنگام برخاستن فرمود: ای سلمان! خداوند بیماری را از تو بردارد، گناهانت را ببخشاید، دین تو را حفظ کند و جسم تو را تا پایان عمر سالم نگه دارد. (مکارم‌الاخلاق، ص ۳۶۱)

قال رسول الله (ص): **إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِدْخَالَ السُّورِ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِينَ.** (اصول کافی، ج ۲ ص ۱۵۱)

محبوب‌ترین کار نزد خدای بزرگ، شادمان کردن مؤمنان است. توانمندی فرد در ایجاد روابط صحیح و مطلوب اجتماعی از مهارت‌های مهمی است که برای هر فرد ضروری و لازم است، و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است با استفاده از این مهارت می‌تواند موقعیت خود را در اجتماع حفظ کند و بهبود بخشد. از آن گذشته توانمندی مشاور در برقراری روابط اجتماعی لازمه ارتباط مشاوره‌ای است، به‌گونه‌ای که بدون این مهارت امکان ارائه خدمات مشاوره‌ای به مراجعین مقدور نمی‌باشد. لذا مشاور هم باید این مهارت را در خود تقویت نماید و هم لازم است این مهارت را به مراجعین خود به نحو احسن آموزش دهد.

تعاون و همکاری

تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْإِثْمِ وَالعُدْوَانِ. (مائده، ۲)



آیا تشنه‌ای؟ مرد گفت: آری، امام خدمتکارش را فرمود به او آب بده، سپس به راه ادامه دادند. خدمتکار گفت: او مسیحی بود، آیا به مسیحی نیز کمک می‌کنید؟ امام فرمود: آری. (وسایل‌الشیعه، ج ۹ ص ۴۰۹)

در روایتی از امام صادق (ع) آمده که خداوند عزوجل فرموده است: **الْخَلْقُ عِبَالِي فَأَحْبَبْتَهُمْ إِلَيَّ الْأَطْفَهَمُ بِهِمْ وَأَسَاعَهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ.** (بحارالانوار، ج ۷۱ ص ۳۳۶)

مردم همچون خانواده من هستند، محبوب‌ترین آن‌ها نزد من کسی است که بیش از همه به مردم مهربان باشد و کوشش بیشتری در رفع نیازمندی‌های آنان کند.

امیرمؤمنان علی (ع) در دستورالعمل حکومتی به مالک‌اشتر فرمان می‌دهد:

وَأَشْعُرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفَ بِهِمْ.
دلت را از مهربانی و دوستی و لطف به مردم و زبردستان سرشار کن. (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

خداوند رحمان در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ.
همانا مؤمنین با هم برادرند. (حجرات، ۱۰)

علی (ع) می‌فرماید: محبت و دوستی محکم‌ترین پیوند نسبی، و علم و دانش شریف‌ترین افتخارات محسوب می‌شود. (بحارالانوار، ج ۱ ص ۱۸۳ و ج ۷۴، ص ۴۱۹)

ناگفته پیداست که محبت و دوستی نیز از صفات پسندیده است که هر فرد و به‌ویژه مشاور باید از آن برخوردار باشد، چرا که لازمه ارتباط مشاوره‌ای محبت و دوستی نسبت به مراجع است. از سوی دیگر یکی از مشکلات مراجعین در برقراری روابط عاطفی با دیگران و در نتیجه دوری از اجتماع، ناشی از عدم مهارت ایشان در ابراز محبت و دوستی است که بر مشاور واجب است این خصیصه را در ایشان ایجاد و تقویت نماید.

خدمت به هم‌نوع

وَمَنْ أَحْيَاهَا كَمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا. (مائده، ۳۲)

و هرکس انسانی را حیات و زندگی بخشد گویی همه مردم را حیات بخشیده است.

امام صادق (ع) فرمود: به خدا سوگند! پیامبر خدا (ص) آن‌گاه که نیاز مؤمنی را برمی‌آورد، خودش بیش از نیازمند مسرور می‌شد. (جامع السعادت، ج ۲ ص ۲۳۱)

امام صادق (ع) فرمود: همراهی با برادر دینی برای کمک به او، نزد من محبوب‌تر از آزاد کردن هزار برده و آماده ساختن هزار اسب برای مجاهدان در راه خداست. (بحارالانوار، ج ۷۱ ص ۳۱۵)

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: **مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.** (اصول کافی، ج ۲ ص ۱۶۴)

هرکس ندای انسانی را بشنود که مسلمانان را به یاری می‌طلبد و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.

قال علی (ع): **نِعْمَ زَادَ الْمَعَادِ الْإِحْسَانُ إِلَيَّ الْعِبَادِ.** (غرر، ج ۶ ص ۱۶۱، حدیث ۹۹۱۲)

احسان و کمک به بندگان خدا، زاد و توشعه مناسبی برای جهان پس از مرگ است.

قال علی بن ابیطالب(ع): رَأْسُ الْإِيمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ. (غرر، ج ۴ ص ۵۲ حدیث ۵۲۵۳)

کمک به مردم بخش مهمی از ایمان است. خداوند اعلی در قرآن می‌فرماید:

زاد و توشه بگیرید که بهترین زاد و توشه تقوی است (بقره، ۱۹۷)

احسان باعث طهارت و تزکیه احسان‌کننده می‌شود. (توبه، ۱۰۳)

مشاوره خدمتی پاورانه است که از مشاور به هموعان و مراجعان ارائه می‌شود. اصولاً مشاوران اشخاصی اجتماعی و انسان دوست هستند که از خدمت به هموعان خود لذت می‌برند و این خدمت بیش از اینکه به‌عنوان یک حرفه برای ایشان مطرح باشد نوعی ارضای نیاز به خدمت به دیگران است. اغلب مشاوران از کمک به حل مشکل مراجعانشان دچار احساس لذت و شغف می‌شوند.

مشکل‌گشایی

امام صادق(ص) می‌فرماید: کسی که مشکل مؤمنی را بگشاید، خداوند مشکلات آخرتش را آسان سازد و [او در قیامت] با دلی خنک (و شاد) از قبرش خارج شود. (اصول کافی، ج ۲ ص ۱۶۰)

همسر عثمان بن مظعون (یکی از صحابه) نزد رسول‌الله(ص) آمد و گفت: ای پیامبر(ص)! عثمان روزها روزه می‌گیرد و شب‌ها به عبادت مشغول است (و به امور خانوادگی رسیدگی نمی‌کند) آن حضرت ناراحت شد و نزد عثمان رفت. دید مشغول نماز است، پس از نماز به او فرمود: ای عثمان! خداوند مرا به رهبانیت و انزوا مبعوث نکرده، بلکه با دینی پاک و آسان به رسالت برگزیده است. من نیز روزه می‌گیرم و نماز می‌خوانم و با همسرم خلوت می‌کنم، هر کس مرا دوست دارد باید از سنت من پیروی کند و ازدواج از سنت من است. (بحارالانوار، ج ۲۲ ص ۲۶۳)

مشکل‌گشایی یکی از اهداف مشاوران است که در راستای کمک به هموعان مطرح می‌باشد و شاید نوعی رسالت و مأموریت است که خداوند در وجود عده‌ای از مردم که دارای چنین روحیه و توانی هستند به ودیعه گذاشته است تا امر مشکل‌گشایی در میان مردم را برعهده داشته باشند.

قناعت

قال علی(ع): مَا أَطَالَ أَحَدٌ الْأَمَلَ إِلَّا نَسِيَ الْأَجَلَ وَ أَنْسَاءَ الْعَمَلِ. (غررالحکم و دررالکلم، ج ۶ ص ۱۰۱ حدیث ۹۶۷۶)

هیچ کس آرزوهای خود را طولانی نمی‌کند مگر اینکه مرگ را فراموش می‌کند و اعمالش را نابود می‌سازد.

حضرت رسول(ص) از بیابانی عبور می‌کرد. فرمود: بروید مقداری شیر از صاحب آن حیوان تهیه کنید و پول آن را هم بپردازید. صاحب آن حیوان از دادن شیر امتناع کرد. پیامبر(ص) دعا کرد که اموالش



یکی از مشکلاتی که ما انسان‌ها از آن رنج می‌بریم ناامیدی و یأس است که خود می‌تواند زمینه بسیاری از مشکلات روانی دیگر نیز قرار گیرد. در اسلام، دوری از یأس بسیار مورد توجه قرار گرفته و در جای جای قرآن و روایات بر این نکته تأکید شده است. از این رو تقویت امیدواری در مراجعان یکی از وظایف اساسی مشاوران در نظام مشاوره اسلامی می‌باشد

زیاد شود! از آنجا گذشتند. به شبان دیگری رسیدند و همان تقاضا را مطرح کردند. آن شبان ادب کرد و به سرعت مقداری شیر در اختیار پیامبر و همراهانشان قرار داد. حضرت دست بر دعا برد و فرمود: خدایا! به اندازه کفاف وی به او نعمت ارزانی دار! اصحاب از تفاوت این دعا برای آن دو شبان پرسیدند، حضرت فرمود: زیادی نعمت برای شخص اول مایهٔ رنج و عذاب خواهد شد. (بحارالانوار، ج ۶۹ ص ۶۱ ص ۱۱۱)

علی(ع): أَفَةُ الْوَرَعِ قِلَّةُ الْقِنَاعَةِ. (میزان الحکمه، ج ۱ ص ۱۱۱ حدیث ۵۳۷)

آفت مهم تقوی، قانع نبودن در زندگی است.

علی(ع) می‌فرماید: اگر می‌خواهی امیر کسی شوی به او نیکی کن و اگر می‌خواهی اسیر کسی شوی، نیازمند او شو. (بحارالانوار، ج ۷۴ ص ۴۲۱)

یکی از مشکلاتی که نوع بشر از آن رنج می‌برد و خود مایه مشکلات دیگری نیز می‌باشد حرص و آز است که تنها با قناعت می‌توان به مبارزه با آن همت گماشت. در نظام مشاوره‌ای اسلام دعوت به قناعت و دوری از حرص و طمع، اصلی اساسی به شمار می‌رود. در صورت توفیق مشاور در این امر مهم مراجعان به آرامش روانی زایدالوصفی دست می‌یابند.

اخلاق

قال امیرالمؤمنین علی(ع): فی سعة الأخلاق کُنُوزُ الأرزاقِ. (میزان الحکمه، ج ۳ ص ۱۵۱ حدیث ۵۰۷۹)

اخلاق خوش کلید گنج‌های روزی است.

إِنَّ الْبِرَّ وَحُسْنَ الْخُلُقِ يَمُورَانِ الدَّيَارِ وَ يَزِيدَانِ فِي الأَعْمَارِ. (میزان الحکمه، ج ۳ ص ۱۵۱ حدیث ۵۰۷۷)

همانا کار نیکو و اخلاق خوش جامعه را آباد و عمر را طولانی می‌کند.

«بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الأَخْلَاقِ» برانگیخته شدم تا مکرمات‌های اخلاقی را تکمیل کنم.

حسن خلق یکی از مواردی است که موجب وحدت و انسجام خانواده و جامعه می‌گردد. علاوه بر این فردی که دارای حسن خلق است از محبوبیت خاصی در خانواده و جامعه برخوردار می‌گردد، لذا هم مشاور در ارائه خدمت به مراجعین نیازمند دارا بودن این صفت پسندیده است و هم مراجعینی که به وی مراجعه می‌کنند

برای اینکه بتوانند از زندگی خود رضایت بیشتری داشته باشند و تغییرات شگرفی در کیفیت زندگی خود داشته باشند نیازمند بهره‌مندی از این توانایی و مهارت می‌باشند.

صبر و شکیبایی

علی(ع) می‌فرماید: شما را به صبر سفارش می‌کنم، زیرا صبر نسبت به ایمان همچون سر است نسبت به بدن. همان‌گونه که جسم بی‌سر ارزش ندارد ایمان بدون صبر و شکیبایی نیز بی‌ارزش است. (نهج‌البلاغه، کلمات قصار ۸۲)

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ. (رعد، ۲۴)

(فرشتگان به بهشتیان گویند:) سلام بر شما به خاطر صبر و استقامتان؛ پس سرانجام آن در سرای جاویدان نیکوست. صبر و استقامت نیز دارای اثرات ارزندهٔ فراوانی است. اصولاً یکی از مشکلات عدهٔ قابل توجهی از افراد در مسیر زندگی صبور نبودن و نداشتن استقامت و بردباری است که شخصیت ایشان را آسیب‌پذیر و شکننده می‌سازد، لذا اسلام انسان را به تقویت این ویژگی توصیه‌ی اکید و فراوان نموده است. مشاور می‌تواند در مکتب اسلام به مشاوره افراد همت می‌گمارد لازم است بر این ویژگی تمرکز داشته باشد و مراجعین خود را از این جنبه مورد عنایت قرار داده و مهارت‌های صبر و تحمل و بردباری و استقامت را در وجود ایشان تقویت نماید.

ایمان و عمل

حضرت علی(ع) می‌فرماید: ایمان و عمل همزاد یکدیگر و دوقلو هستند و همچون دو رفیقی می‌مانند که از یکدیگر جدا نمی‌شوند. (غرر، ج ۲ ص ۱۳۶ حدیث ۲۰۹۴)

روایت شده است که شخصی خدمت امام صادق(ع) رسید و از آن حضرت سؤال کرد: آیا ایمان، ترکیبی از عقیده و عمل است، یا تنها عقیده است و اعمال جزء ایمان محسوب نمی‌شود؟

امام(ع) در پاسخ فرمود: الایمانُ عملٌ کله، یعنی تمام ایمان عمل است. (سفینه البحار، ج ۱ ص ۱۵۲)

ایمان، یکی از شاکله‌های اصلی شخصیت هر انسان است که وی را از احساس پوچی و رهاشدگی در تلاطم مشکلات نجات می‌بخشد، البته اگر ایمان واقعی باشد در عمل فرد هم به وضوح نمایان و برجسته می‌گردد؛ لذا مشاور موفق در مکتب انسان‌ساز اسلام مشاور می‌گردد که به مبانی دین اسلام معتقد بوده و به وظایف دینی خود عمل نماید. علاوه بر این کسی است که ایمان مراجع خود را تقویت نموده و در توصیه‌های مشاوره‌ای او را به عمل به اعتقادات دینی تشویق و ترغیب نماید. بدیهی است یکی از اثرات مهم ایمان توأم با عمل، محفوظ ماندن فرد از ناملایمات و نابسامانی‌های روانی است، چرا که ارتباط با خداوند انسان را از بی‌هویتی و احساس اینکه بدون حامی و پشتیبان است می‌رهاند و او را در مقابل بسیاری از آسیب‌های روانی و عاطفی بیمه می‌کند.

رازداری

امام علی(ع) فرمود: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سَيِّرِهِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار، ج ۶)

سینه عاقل، گنجینه رازهای اوست.

و نیز فرمود: «سِرِّكَ أَسِيرُكَ، فَإِنَّ أَفْشِيَتَهُ صِرْتُ أَسِيرَةٍ» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۴۳۷؛ ج ۴، ص ۱۴۶)

راز تو اسیر توست؛ اگر آشکارش ساختی تو اسیر آن شده‌ای

امام صادق(ع) فرمود: «التَّقِيَّةُ دِينِي وَ دِينُ آبَائِي وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ؛ تَقِيَّةٌ وَ رَاذِرِي، دِينِ مَنْ وَ دِينِ بَدْرَانِمِ اسْتِ وَ أَنْ كَسَّ كَسَّ تَقِيَّةً نَادِرًا دِينِ نَادِرًا». (اصول کافی، ج ۳، ص ۳۱۷)

در حدیث دیگر فرمود: «إِنَّ الْمُرِيحَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاحِدِ بِهِ؛ كَسِي كَسَّ اسْرَارِ وَ رَاذِرِي مَا رَا فَاشْ كَسَّ مَثَلِ كَسِي اسْتِ كَسَّ مَنْكَرِ حَقِّ مَا شُود» (بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۴)

نیز فرمود: «سِرِّكَ مِنْ دَمِيكَ فَلَا يَجْرِي مِنْ غَيْرِ أَوْدَاجِكَ؛ رَاذِرِي از خون تو است. پس نباید جز در رگ‌های خودت جاری شود!» (همان منبع، ج ۷۲، ص ۷۱؛ میزان الحکمة، ج ۴، ص ۴۲۷)

امامان شیعه، همواره اصحاب خود را به رازداری و حفظ سِرّ فراخوانده‌اند. جابر بن یزید جعفی، شاگرد مورد اطمینان امام باقر و امام صادق(ع)، می‌گوید: پنجاه هزار حدیث و راز در سینه دارم که تاکنون آن‌ها را به احدی نگفته‌ام. (بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۹).

در حدیثی از امام کاظم(ع) چنین نقل شده است: «أَنْ كَانَ فِي يَدِكَ هَذِهِ شَيْءٌ، فَإِنَّ اسْتَطَعْتَ أَلَّا تَعْلَمَ هَذِهِ فَافْعَلْ؛ هرگاه در یک دست تو چیزی باشد و بتوانی کاری کنی که دست دیگریت باخبر نشود، چنین بکن». (اصول کافی، ج ۳، ص ۳۲۰)

با مدعی مگوئید اسرار عشق و مستی

تا بی‌خبر بمیرد در درد خودپرستی

از امام زین العابدین(ع) اشعاری نقل شده است که در این اشعار، اهتمام امامان(ع) به تقیّه و رازداری، به خوبی بیان شده است.

حضرت می‌فرماید:

- إِنْ لَأَكْتَمَ مِنْ عِلْمِي جَوَاهِرَهُ

کی لایری الحَقِّ ذُو جَهْلٍ فَيَفْتِنَنَا

- وَ قَدْ تَقَدَّمَ فِي هَذَا أَبُو حَسَنِ

أَلَى الْحُسَيْنِ وَ أَوْصَى قَبْلَهُ الْحَسَنًا

- وَ رَبِّ جَوْهَرِ عِلْمٍ لَوْ أُبُوِحَ بِهِ

لَقِيلَ لِي أَنْتَ مِمَّنْ يَعْبُدُ الْوَتْنَا

- وَ لَا سَتَحَلَّ رَجُلٌ مُسْلِمُونَ دَمِي

بِرُونَ أَقْبَحَ مَا يَأْتُوهُ حَسَنًا. (المحجّة البيضاء، ج ۱، ص ۶۵)

- من جواهر و نفائس علم خودم را کتمان می‌کنم تا مرد جاهل از حقیقت آن آگاه نگردد؛ چرا که در صورت آگاهی ما را به فتنه می‌اندازد.

- البته قبل از من، حضرت ابوالحسن امیرمؤمنان(ع) نیز بر همین شیوه بود و او نیز به کسی بیان نمی‌کرد و فقط آن را به پدرم حسین داد، و قبل از او هم به عمویم حسن داده و گفته بود که این علم را مخفی بدارد.

- چه بسیار علم جوهردار و اصیل و غیرقابل تشکیک، که اگر آن را آشکار کنم، بی‌شک به من می‌گویند: تو بت پرستی.

- و این مردم مسلمان، کشتن مرا که بدترین کار است، کار خوبی می‌پندارند چون مرا کافر می‌شمرند.

از این اشعار استفاده می‌شود که امامان(ع) از زمان امام علی(ع) به تقیّه عمل می‌کردند.

و بالاخره ویژگی رازداری که یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین صفات مشاور برای ایجاد حس اعتماد مراجعین به وی می‌باشد و فرایند مشاوره بدون رازداری مشاور اساساً شکل نمی‌گیرد. از سوی دیگر مراجعین نیز باید بدانند که بسیاری از ویژگی‌ها و مسائل شخصی ایشان نیز نباید برای دیگران عیان و هویدا شود چرا که با آشکار کردن برخی از مسائل غیرضروری برای افراد متفرقه در مقابل بسیاری از آفات آسیب‌پذیر خواهند شد. لذا مشاور باید مراجعین خود را در خصوص آنچه نباید برای دیگران آشکار و هویدا کنند راهنمایی کرده و آن‌ها را از این امر برحذر دارد.

با امید به اینکه آنچه در این سلسله از مقالات ذکر گردید، انگیزه تحقیق و مطالعه بیشتر مشاوران و روان‌شناسان را در متون اسلامی و تدوین نظریه مشاوره اسلامی، مورد تحریک قرار داده و نقایص و کاستی‌های این مجموعه را برطرف نمایند و در آینده نه‌چندان دور نظریه مشاوره مبتنی بر فرهنگ اسلامی توسط متخصصین و دانشمندان مسلمان کشورمان ارائه گردد.

منابع

۱. اصول کافی، ثقة الاسلام کلینی
۲. المفردات فی غریب القرآن، ابی‌القاسم الحسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی
۳. المحجّة البيضاء، مرحوم فیض کاشانی (رض)
۴. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، علامه مجلسی
۵. تحف العقول فیما جاء من الحكم و المواعظ من آل الرسول، ابن شعبه حرّانی
۶. جامع السعادات، ملا محمد مهدی نراقی
۷. سفینة البحار و مدینة الحكم و الآثار، شیخ عباس قمی
۸. سنن النبی، علامه محمدحسین طباطبایی
۹. شرح غررالحکم و دررالکلم، جمال‌الدین محقق خوانساری
۱۰. قرآن حکیم، ترجمه و شرح آیت‌اله مکارم شیرازی
۱۱. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی
۱۲. کشف العتمّة فی معرفة الائمة، ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح اربلی
۱۳. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی فضل بن الحسن الطبرسی (معروف به شیخ طبرسی)
۱۴. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی
۱۵. من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی ملقب به شیخ صدوق
۱۶. میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری
۱۷. نهج البلاغه، ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام
۱۸. نور الثقلین، عبد علی بن جمعة العروسی حویزی (با هویزی)
۱۹. وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حر عاملی